



شبکه های اجتماعی عامل تشدید طلاق عاطفی/ ازدواج ناشی از دوستی های خیابانی پایدار نیست

یک روان شناس در خصوص تاثیر شبکه های اجتماعی بر افزایش طلاق در سالهای اخیر گفت:

یک روان شناس در خصوص تاثیر شبکه های اجتماعی بر افزایش طلاق در سالهای اخیر گفت: خانواده ها امروزه تحت تاثیر شبکه های اجتماعی و اینترنت دچار بی میلی، سردی و نوعی اخلاق خودخواهانه شده اند که همین مساله موجب افزایش آمار طلاق می شود چرا که با این روند افراد یک خانواده نیازها و احتیاجاتی که نسبت به یکدیگر دارند را بر آورده نمی کنند.

تصویر شبکه های اجتماعی عامل تشدید طلاق عاطفی/ ازدواج ناشی از دوستی های خیابانی پایدار نیست

علی اصغر احمدی در گفت و گو با جام جم آنلاین با اشاره به اینکه یکی از عوامل طلاق، مشکلات عاطفی است گفت: دختران و پسران ما آموزش های لازم را نمی بینند البته مشاوره های قبل از ازدواج وجود دارد ولی کافی نیست و باید اساتید و دانشگاهیان ما برای این معضل راهی بیابند. چرا که جدایی زن و شوهر و نبود پدر و مادر در خانه تبعات بسیار مخربی بر روی فرزندان بوجود می آورد.

وی در مورد آمادگی زوجین برای پذیرش یک زندگی مشترک گفت: ازدواج باید با ذهن باز و آمادگی کامل انجام شود نه با یک ذهن بسته و قالبی. درواقع فردی که ازدواج می کند باید آمادگی ورود به دنیای جدید و پذیرش فرد مقابل خود را داشته باشد تا بتواند با او به تفاهم برسد. اگر طرفین احساس کنند بعد از ازدواج و در زیر یک سقف، درکنار هم به آن درک مشترک از زندگی زن و شوهری می رسند سخت در اشتباهند.

این روانشناس در خصوص آشنایی های خیابانی و اینترنتی نیز گفت: افرادی را داریم که سالها با هم آشنا بوده و دور از چشم خانواده با هم ارتباط داشته اند اما وقتی ازدواج کردند با مشکلاتی روبرو شده اند. مسئله اینجاست که عدم آگاهی طرفین نسبت به یکدیگر موضوعی است که در زندگی مشترک نقش بسیار پررنگی دارد. متأسفانه برخی از زوجین پس از ازدواج نیاز عاطفی خود را با شبکه های اجتماعی رفع می کنند. این در حالیست که در این فضا افراد طرف مقابل خود را نمی شناسند. هر چند که از نگاه اغلب کارشناسان تنها شبکه اجتماعی و اینترنتی نیست که این نوع جدایی را تشدید می کند بلکه علل دیگری نیز وجود دارد. که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد.

وی ادامه داد: امروزه یکی از علل افزایش آمار طلاق در حقیقت فقدان همزبانی، همدلی و همفکری میان زوجین است که افراد از منابع گوناگون تاثیر می پذیرند. باید زوجین به یک آمادگی، همدلی و همفکری لازم برسند که همدیگر را بهتر بشناسند. اگر این شناخت ها نباشد زوجین نمی توانند نیازهای روحی و روانی خود را اثناء ازدواج برطرف کنند. این خود موجب سردی روابط می شود که در نهایت به طلاق رسمی و یا طلاق عاطفی منجر می شود.

احمدی در پاسخ به این پرسش که دادگاه ها و قضات از طلاق توافقی به دلیل تسهیل در روند دادرسی حمایت می کنند اظهار داشت: مسلماً در طلاق غیر توافقی میان زن و شوهر دعوا و مشاجره و بحث وجدل وجود دارد ولی در طلاق توافقی اینگونه نیست. البته این به معنای این نیست که برای قضات طلاق توافقی راحت تر است اما وقتی طرفین خواهان طلاق هستند دیگر چه کاری می توان کرد حتی مشاوره ها هم کارساز نیست.

وی در خصوص راهکارهای جلوگیری از گسترش طلاق گفت: بهتر است عواملی که زوجین را از هم دور می کند بشناسیم و آنها را مدیریت کنیم به نظر من مداخله در اصل طلاق راه درستی نیست. البته کارهای نسبتاً خوبی نظیر ارجاع به مشاوره از سوی دادگاه صورت گرفته است ولی کافی نیست.

وی بر ضرورت وجود آموزش های لازم در این خصوص تاکید کرد و افزود: برای جلوگیری از این پدیده باید به آموزش مهارت های زندگی در میان جوانان بپردازیم در حالیکه این اصل را فراموش کرده ایم. در کتابهای درسی مدارس آموزش مهارت های زندگی باید یکی از دروس باشد. همانطورکه یادگیری مسائل تاریخی و علمی برای دانش آموز اهمیت دارد مهارت های زندگی نیز باید آموزش داده شود.

